



Studying the Ethnography of People's mourning sounds (mūr) during the Imposed War (Case Study: Ilam Province)

Minoo Salimi ¹

1. Assistant Professor, Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author), E-mail: salimi.minoo@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-04-21

Received in revised form:
2024-09-14

Accepted: 2024-09-16

Published online: 2025-05-10

Keywords:

Ilam, Imposed war, Moya, Martyrdom, Ethnography

ABSTRACT

Purpose- Despite the years that have passed since the imposed war, the war remains present in our literature, history, and culture. Mourning is one of the very ancient traditions that has survived from ancient Iran, expressed in response to great tragedies such as the death of loved ones, elders, youths, warriors, and heroes of war. By understanding these mourning traditions, which evoke memories of the imposed war, the valor and sacrifices of that time, and the continuing spirit of patriotism and martyrdom, one can gain insight into an identity-forming element of the region. Given the role and function that "mourning" has in this community, studying it across all cultural and geographical areas of Ilam province, which is one of the war-affected regions, helps to better understand the culture of this area in how it experienced the war. Therefore, the aim of this study is to recognize the mourning and related traditions of the imposed war in Ilam province, to understand their themes and underlying messages, and to explore how the era of the imposed war is reflected in mourning practices across different regions and their differences.

Methodology- This research is qualitative and based on ethnographic methods and unstructured deep interviews conducted in Ilam province (its cities and villages) as one of the war-affected areas of the country. In this context, mourning traditions were collected and analyzed based on purposive sampling.

Findings- The study and analysis of the collected mourning traditions revealed that the experience of war has significantly influenced the mourning practices and their internal themes among the people of Ilam. Since these traditions manifest in mourning rituals and fall within the realm of ritual and traditional music, they also encompass patience, how to confront death, and the valuation of life and the status of martyrs. This study showed that, in addition to historical themes, the experience of war has led to the emergence of other themes such as coping with war, displacement, heroism, sacrifice, chivalry, the mythology of war martyrs, and the display of bravery associated with figures like Haj Qasem.

Conclusion- The recitation of mourning for the martyrs of Ilam is not limited to times of mourning; it sometimes includes songs that are expressed in times of longing and separation, filled with sorrow during the month of Muharram and the anniversaries of the deaths of youths or unknown martyrs. This is why the music and rhythm derived from it are woven into the minds of Ilam's children from an early age. The study of mourning traditions, alongside the customs observed at the time of death for martyrs, shows that the appreciation of heroes and martyrs, and the legends who sacrificed their lives to uphold national and Islamic values, is an integral part of the cultural fabric of this region, contributing to the continuity of these values among its people, making them precious and a vital part of the culture of this land.

Cite this article: Salimi, M. (2025). Studying the Ethnography of People's mourning sounds (mūr) during the Imposed War (A Case Study of Ilam Province)". *Iranian Journal of Anthropological Research*, 14(2), -. doi: 10.22059/ijar.2024.375371.459863



مطالعه مردم‌شناختی مویه‌های مردمی در دوران جنگ تحمیلی (مطالعه موردی استان ایلام)^۱

مینو سلیمی^۱۱. استادیار، گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: salimi.minoo@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: با وجود گذشت سال‌ها بعد از جنگ تحمیلی، جنگ در ادبیات، تاریخ و فرهنگ ما حضور دارد. مویه یکی از سنن بسیار کهن و بر جای مانده از ایران باستان است که در وصف مصیبت‌های بزرگ چون مرگ عزیزان، بزرگان، جوانان، پهلوانان و قهرمانان جنگ سروده می‌شود. با شناخت این مویه‌ها که یادآور روزهای دوران جنگ تحمیلی، رشادت‌ها و ایثارگری‌های آن دوران و ادامه روحیه وطن‌پرستی و شهادت‌خواهی است، می‌توان به شناخت عنصری هویت بخش از منطقه دست یافت. با توجه به نقش و کارکردی که «مویه»‌ها در این جامعه دارند، مطالعه آن‌ها در تمام مناطق فرهنگی و جغرافیای استان ایلام که یکی از مناطق جنگ‌زده است به درک مناسب‌تر فرهنگ این منطقه در نحوه تجربه جنگ کمک می‌کند. بر این اساس هدف از انجام مطالعه حاضر، شناخت مویه و مورهای مربوط به جنگ تحمیلی در استان ایلام، شناخت مضامین و درونمایه‌های آنان و نحوه انعکاس دوران جنگ تحمیلی در مویه‌ها در مناطق مختلف و تفاوت آنان با یکدیگر است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲	روش‌شناسی: پژوهش حاضر تحقیقی کیفی و مبتنی بر روش مردم‌نگاری و مصاحبه عمیق ساختار نیافته است که در استان ایلام (شهرها و روستاهای آن) به عنوان یکی از مناطق جنگ‌زده کشور انجام گرفته است. در این راستا به جمع‌آوری مویه‌ها و تحلیل آنان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند پرداخته شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴	یافته‌ها: مطالعه و تحلیل مویه‌های گردآوری شده نشان داد که، تجربه جنگ در میان مردم ایلام تأثیر به سزایی در مویه‌ها و مضامین درونی آنان گذاشته است. از آنجا که مویه‌ها در آیین‌های سوگ نمود می‌یابند و در حوزه موسیقی آیینی و سنتی قرار می‌گیرند؛ صبر و نحوه رویارویی با مرگ و ارزش‌گذاری زندگی و مقام شهدا را نیز با خود به همراه دارند. این مطالعه نشان داد که علاوه بر مضامین تاریخی در این مویه‌ها، تجربه جنگ سبب شکل‌گیری مضامین دیگری مانند؛ نحوه رویارویی با جنگ، آوارگی، سلحشوری، فداکاری، جوانمردی و جوانمردگی، اسطوره‌گی شهدای جنگ و نمایش دلیری حاج قاسم شده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶	نتیجه‌گیری: خواندن مویه برای شهدای ایلام فقط منحصر به زمان سوگ نیست و گاه شامل سرودهایی می‌شود که در زمان دل‌تنگی و فراق با حزن و اندوه در ماه محرم و زمان وفات جوانان و یا شهادت شهدای گمنام بر زبان زن و مرد ایلامی جاری می‌شود و به همین دلیل است که موسیقی و ریتم حاصل از آن، از کودکی در تار و پود ذهن کودکان ایلامی جای می‌گیرد. مطالعه مویه‌ها در کنار آداب و رسومی که در زمان مرگ برای شهیدان برگزار می‌شود نشان می‌دهد که قدرشناسی قهرمانان و شهیدان و اسطورهایی که در جهت تداوم و حفظ ارزش‌های میهنی و اسلامی جان خود را فدا نموده‌اند، جزئی از تار و پود فرهنگ مردم این منطقه است که باعث داوم ارزش‌های این مردم می‌شوند و به همین دلیل گرامی و عزیز و پاره تن فرهنگ این مرز و بوم هستند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰	

کلیدواژه‌ها:

ایلام، جنگ تحمیلی، مویه، مردم-شناختی، شهادت

استناد: سلیمی، مینو. (۱۴۰۳). مطالعه مردم‌شناختی مویه‌های مردمی در دوران جنگ تحمیلی (مطالعه موردی استان ایلام)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۴(۲).

doi: 10.22059/ijar.2024.375371.459863



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

^۱ - این مقاله حاصل طرح پژوهشی با همین عنوان از طرف مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین منابع تمدنی انسانی، فرهنگ است. آیین‌ها و آداب و رسوم، یکی از اصلی‌ترین مظاهر فرهنگ هستند. مطالعه ویژگی‌های جغرافیایی، طبیعی و انسانی، تاریخی، شیوه زندگی، مشاغل، آیین‌ها و باورهای هر قوم و ملتی می‌تواند در شناخت فرهنگ و هویت کارگشا باشد؛ زیرا برآمده از ذهن و زبان بی‌آلایش مردم است. برخی از این ویژگی‌ها در هنر، موسیقی و ادبیات گروه‌های مختلف مردمی نمود یافته‌اند، یعنی پدیده‌هایی که حاصل اندیشه، ذوق، تجربه و به تعبیری زندگی و خاطرات جمعی‌اند (رضایی‌بهمن، ۱۳۹۹، ۲۴). حفظ نمودن حافظه جمعی جنگ تحمیلی، بسیار مهم است، چرا که چارچوب حافظه نزدیک به یک دهه بسیار حساس و مهم در تاریخ ایران را شکل داده است. یکی از مولفه‌های شناخت حافظه مردمی ادبیات است. هنر و ادبیات عامه در استان ایلام نیز بازتاب دهنده بخش مهمی از فرهنگ غنی و متنوع این منطقه است. فرهنگ این استان ریشه در جغرافیای متنوع، تاریخ پرتلاطم، آیین، آداب و رسوم ایلات گوناگون این منطقه دارد. ادبیات عامه این منطقه دربردارنده صداها و نواهایی است که نشان از ویژگی‌های خاص فرهنگی و تاریخی این منطقه است. «مویه‌ها»، هوره‌ها و آواهای محلی بخشی از ادبیات عامه هستند. شناخت مویه‌های مردم ایلام از جنگ تحمیلی جهت شناخت عمیق جلوه‌های سوگ در زمان جنگ تحمیلی و بعد از آن به عنوان یکی از مظاهر مهم فرهنگ عامه لازم و ضروری است.

«مویه» اصیل‌ترین و کهن‌ترین آواز بومی منطقه غرب کشور است که به زبان کردی، لری، لکی و عربی و امروزه به فارسی در وصف مصیبت‌های بزرگ چون مرگ عزیزان، بزرگان، جوانان و پهلوانان و قهرمانان جنگ سروده و اجرا می‌شود. این آواز و آوا ذاتا غمگین و دلتنگ بوده و با اشعار حماسی و عاطفی حزن انگیز خوانده می‌شود. پایگاه اجتماعی فرد در گذشته از خلال مویه‌های سروده شده آشکار و بازگو می‌شود. در شکل‌گیری و سرچشمه مویه‌ها عوامل تاریخی، مذهبی و آیینی، عوامل انسانی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی و طبیعی نقش دارند (ابراهیمیان منفرد، ۱۳۹۹، ۳۲).

امروز نیز «مویه‌ها» از پرشورترین و اندوهناک‌ترین آیین‌های سوگ هستند که در میان مردم ایلام در هنگام سوگواری و بزرگداشت شهدا رایج است. این مویه‌ها در رثای درگذشتگان توسط مردان و زنان خوانده می‌شود. تاریخ شفاهی و روایی این مویه‌ها روایت‌هایی از مضامین مختلف رویارویی با جنگ، آوارگی، سلحشوری، فداکاری، جوانمردی و جوانمردی را با خود دارد.

با وجود این که تحقیقاتی در زمینه مویه‌ها انجام شده است، اما مطالعه این مویه‌ها بار رویکردی مردم‌شناختی که به دنبال شناخت تاثیر جنگ تحمیلی در تغییر یا شکل‌گیری درونمایه، مضامین و نحوه اجرا و آرایه مویه‌ها است، انجام نشده است، بنابراین با توجه به نقش و کارکردی که «مویه‌ها» در این جامعه دارند، مطالعه آن‌ها در تمام مناطق فرهنگی و جغرافیای استان ایلام که یکی از مناطق جنگ‌زده است به درک مناسب‌تر فرهنگ این منطقه در نحوه تجربه جنگ کمک می‌کند. امروزه شناخت مویه‌ها که یادآور روزهای دوران جنگ تحمیلی، رشادت‌ها و ایثارگری‌های آن دوران است به عنوان عنصری هویت بخش از تاریخ، فرهنگ و سنت ضرورت دارد.

این پژوهش میدانی به دنبال پاسخگویی به پرسش‌هایی است که؛ آیا تجربه دوران دفاع مقدس باعث تغییر در مضامین مویه‌ها شده است؟ و عمده‌ترین این مضامین کدامند؟ با توجه به نقش و کارکردی که «مویه‌ها» در این جامعه دارند، مطالعه آن‌ها در تمام مناطق فرهنگی و جغرافیای استان ایلام که یکی از مناطق جنگ‌زده است به درک مناسب‌تر فرهنگ این منطقه در نحوه تجربه جنگ کمک می‌کند.

ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات تولید شده در زمینه جنگ تحمیلی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۹ ۱۵ هزار و ۲۰۵ کتاب است. بیشتر این کتاب‌ها داستانی، فیلم نامه، مقالات و سخنرانی‌های تنظیم شده و همایش‌های برگزار شده است. در میان این آثار، مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی آثار کمی را به خود اختصاص داده است. این آثار در سه بخش، کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نشریات دسته‌بندی می‌شوند. در این بین پایان‌نامه‌ها بیشترین آثار مطالعه جامعه‌شناختی جنگ را به خود اختصاص داده‌اند.

ایلام در نبرد به روایت رزمندگان (۱۳۹۲)، ایلام در جنگ (۱۳۸۱)، تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام (۱۳۹۲) در امتداد زخم: خاطرات سردار رشید اسلام، عبدالرضا اسماعیلی اولین فرمانده گردان استان ایلام (۱۳۹۶)، یاسر بابایی، نبرد در شاخ شمیران (۱۳۹۷)، آن‌جا که نیامدی: ده روایت کوتاه از شهدای استان ایلام (۱۳۹۹)، سراب دشمن: مجموعه خاطراتی از پیشکسوتان جهاد و شهادت در استان ایلام (۱۳۹۹)، ردی از ایثار: مجموعه خاطرات دفاع مقدس (۱۳۹۹)، ملکوت کلمات (۱۳۹۵)، کتاب‌هایی است که درباره جنگ در ایلام نگاشته شده است.

رد پای جنگ همه جا در ادبیات، تاریخ و فرهنگ ما وجود دارد. مطالعه درباره ادبیات شفاهی و جنگ در ایلام از آن دسته مطالعاتی است که در آغاز راه خود قرار دارد، که این پژوهش جز پیشگامان آن است. مطالعه ادبیات شفاهی در ایلام به شکل‌های مختلفی مانند مقاله، کتاب و ... انجام شده است، در برخی از این مطالعات به مویه‌ها و هوره‌ها به صورت کلی اشاره شده است، در این مطالعات به تاثیر جنگ در آن‌ها پرداخته نشده است.

بهمن کاظمی در کتابی با عنوان «موسیقی قوم کرد» (۱۳۹۰)، به بررسی جایگاه فرهنگ در ایلام و فرهنگ موسیقایی و همچنین دسته بندی انواع موسیقی در استان ایلام و آوانگاری برخی نغمات سازی و آوازی که برخی از هوره و مویه‌ها را نیز شامل می‌شود، پرداخته است.

مرادخانی و قبادی اصل در مقاله خود با عنوان «ادبیات مویه در ایل کاکاوند» (۱۳۸۸)، نشان می‌دهند که مویه از پرشورترین و اندوهناک‌ترین آیین‌های سوگ در میان ایلات و عشایر است که تولید مستندهای مردم‌شناختی از آن می‌تواند یکی از برنامه‌های پرمخاطب در ایام سوگواری از تلویزیون باشد.

حسین نظریان و سید امیر قدمی در مقاله‌ای با عنوان «مرثیه سرایی در شعر و ادب لکی» (۱۳۹۳)، به بررسی مرثیه در ادبیات لکی پرداخته و به مرثیه به عنوان یکی از انواع ادبی غنایی که در آن دو عنصر عاطفه و احساس حضوری پررنگ دارند اشاره داشته‌اند و پیشینه آن را در تک بیتی‌هایی که در زاگرس به نام «مور» و «هوره» که «گلوخوانی» می‌شوند، می‌دانند. به گفته پژوهشگران، این ندبه و زاری بدون شک با زیر و بم هایش موسیقی نیایش و پرستش مهر و اهورا را تداعی می‌کند.

مطالعات ادبیات شفاهی مربوط به استان ایلام مواردی مانند بررسی ادبیات شفاهی ایل ملکشاهی، بررسی و تحلیل انواع ادبی در ادبیات مکتوب استان ایلام، تاریخ تحلیلی ادبیات نمایشی استان ایلام، بررسی افسانه‌ها، قصه‌ها و متل‌های کردی ایلامی از دیدگاه گرماس، را شامل می‌شود. مطالعات جنگ در ایلام به موضوع تاریخ دفاع مقدس در ایلام و روایت رزمندگان، سرداران و شهدا و پیشکسوتان جهاد و شهادت در استان ایلام اختصاص دارد.

فرشته خوش‌نشین (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه خود با عنوان (نگاهی مردم‌شناسانه به آیین سوگواری در میان مردم ایلام با رویکردی بر پرسه زنان)، با تاکید بر برگزاری آیین‌های کهن مانند پرسه، چمر و چابینه مویه‌ها را یکی از ارکان‌های اساسی هویت بخشی به آیین‌های سوگواری در ایلام می‌داند.

صفر ابراهیمیان منفرد (۱۳۹۹)، در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل زیبایی‌شناسی چل سروها و مویه‌ها در زبان لکی بر درک و تحلیل زیبایی‌شناسانه مویه‌ها در مجالس ترحیم و سوگواری» اشاره دارد و نشان می‌دهد با وجود سادگی آنان در آنها تصاویری وجود دارد که نتیجه مستقیم تجربه سرایندگان آنان است.

مجید مهدی زاده (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان «شناخت و بررسی مردم‌شناختی آوازاها و الحان در آوازهای هوره و مور در استان ایلام»، به توضیح این که اشعار هوره و مور برآیند زندگی اجتماعی افراد هستند، می‌پردازد و نشان می‌دهند که هوره به عنوان شکلی از ادبیات شفاهی توانایی نمایش زندگی شخصی، مسایل اجتماعی، عشق، اتفاقات تاریخی، ارزش‌های انسانی، اخلاقی، دینی و آیینی را دارد.

زرین رضایی بهمن (۱۳۹۹)، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل ویژگی‌های فکری و ادبی مویه‌های شهرستان خرم آباد» اشاره دارد به این که در سوگ سروده‌های شهرستان خرم آباد لرستان آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد و ذهن مخاطب را بسیار در گیر کرده است عاطفه و احساسی است که در این سروده‌ها موج می‌زند. اشعار غم‌انگیزی که هر گاه با لحن اندوهباری خوانده می‌شوند؛ شنونده را متأثر و با گوینده همدل می‌سازد. ابیات سوگ در ایلام از منظرهای گوناگونی قابل بحث و واکاوی هستند. قدمت آیین مویه به شهادت تاریخ ریشه در تاریخ این مرز و بوم دارد. کاربرد ابیات سوگ در آیین‌های مرگ در ایلام نشانگر جایگاه این آوا و نغمه جانسوز انسانی و باستانی در اعصار مختلف تاریخی ایران زمین است و جایگاه مهمی در حوزه‌های مردم‌شناسی، موسیقی و ادبیات دارد. مویه‌ها در عین این که وجهه‌ی تابناک ادبی دارند، نمایشگر نگاه فلسفی قوم کرد و لر به ماهیت مرگ‌اند. برخورد زیبایی‌شناسانه‌ی انسان عشیره‌ای به مرگ در آوازهای تلخ نمایشگر شعور غریزی و ذهن سرشار از باورپذیری و تسلیم و در عین حال نمایشگر ذات همیشه مبارز مردم این مناطق است. ابیات سوگ در این منطقه معمولاً در اثر حوادث تلخ و غم‌انگیز چون مرگ یا سختی، غم فراق و ... به وجود آمده‌اند؛ ولی آنچه تقریباً بدیهی است آن است که بیشتر این ابیات با مسأله مرگ و نحوه مرگ در هم تنیده شده‌اند. طبیعی است که هیچ واقعه‌ای به اندازه تولد و مرگ در زندگی مهم نباشد، از این رو هر قومی به تناسب دیدگاه‌های مذهبی، عقیدتی و فرهنگی خود، تلقی خاصی از تولد و مرگ دارد و به گونه خاصی با آن برخورد می‌کند.

با این که این پژوهش‌ها به جنبه‌های مختلفی از جنگ و ادبیات شفاهی پرداخته‌اند، اما هیچ کدام از آن‌ها به مسئله ادبیات شفاهی و مویه‌ها درباره جنگ در ایلام نپرداخته است. پژوهش در مورد ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه در زمان جنگ از پژوهش‌های جدید است. این پژوهش می‌تواند از پژوهش‌هایی باشد که در شناخت فرهنگ عامه مردم ایلام در رابطه با جنگ مفید باشد. این پژوهش همچنین، می‌تواند باعث شناخت فرهنگ سوگ و سوگواری در میان مردمی که دوران جنگ را سپری کرده‌اند شود. این پژوهش با تأکید بر یافته‌های خود به شناخت مضامین و درونمایه‌های جدیدی که به مویه‌ها در اثر تجربه جنگ تحمیلی اضافه شده است، می‌پردازد. بنابراین این مطالعه از آن جهت که می‌تواند نحوه انعکاس تجربه دوران جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر فرهنگ مردم را نشان دهد، دارای اهمیت است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی کیفی و مبتنی بر روش مردم‌نگاری و مصاحبه عمیق ساختار نیافته است. مردم‌نگاری یک روش پژوهش کیفی است که در آن پژوهشگر به مشاهده و تعامل با افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی و واقعی زندگی آنها می‌پردازد. مردم‌نگاری، هم به عنوان شیوه جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده) و هم به عنوان یک روش تحقیق (مجموعه نگرش کیفی و تحلیلی نسبت به

یک موضوع تحقیق خاص) و هم به عنوان یک نظریه (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح است (منادی، ۱۳۸۶، ۱۱۱).

مصاحبه عمیق ساختارنیافته یکی از ابزارهای جمع آوری داده‌ها محسوب می‌شود که در آن امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه‌شونده را فراهم می‌آورد و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی‌ها پرداخت. این پژوهش در استان ایلام (شهرها و روستاهای آن) به عنوان یکی از مناطق جنگ‌زده کشور^۱ در پنج مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول؛ مطالعات اسنادی لازم جهت شناخت بستر تاریخی، اجتماعی فرهنگی جنگ در میدان مورد نظر استان ایلام صورت گرفت. در مرحله دوم، مطالعه مناطق مختلف استان ایلام جهت شناخت مویه‌ها صورت گرفت. مناطق و افراد مورد نظر انتخاب شدند. این مطالعه، مردم را در محیط طبیعی- اجتماعی با ابزارها و روش‌هایی که بتوان به معانی اجتماعی و فعالیت آن‌ها دست یافت، در نظر می‌گیرد. در مرحله سوم و بعد از انتخاب افراد مورد نظر جهت مصاحبه، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته انجام گرفت. در این مصاحبه‌ها، مور و مویه‌ها ثبت و ضبط شدند.

در مرحله بعد، پیاده کردن مصاحبه و یافته‌های به دست آمده از میدان انجام گرفت. مصاحبه‌های انجام شده که با زبان و گویش‌های متفاوت است، پیاده سازی و آوانگاری شد. پس از پایان مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی مویه‌ها تحلیل آنان آغاز شد. ابتدا، مصاحبه‌ها به صورت متنی نوشته شد و بر اساس داده‌های گردآوری شده، محقق مضامین مهم و قابل تکرار مویه‌ها و نحوه ارایه آن را مشخص کرد. سپس پژوهشگر مضامین را در قالب درونمایه‌های مهم تحلیل کرد. در ادامه پژوهشگر توصیفی زمینه‌ای از ویژگی‌های افرادی که مویه را اجرا می‌کنند و همچنین توصیفی از شهادتی که خانواده‌های آنان برایشان مویه می‌خوانند و در مویه‌ها ویژگی‌هایی آنان را بیان می‌کنند، ارایه داد.

در این پژوهش، زنان و مردان مشارکت کننده که عموماً از خانواده شهدا هستند به شیوه نمونه گیری هدفمند و پس از اعلام رضایت، جهت شرکت در پژوهش و اعلام امانت‌داری پژوهشگر، تحت مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته به مدت زمان ۴۵ تا ۱۰۰ دقیقه با هماهنگی قبلی قرار گرفتند. با توجه به موضوع پژوهش و اجرای مویه، این مویه‌ها با حفظ امانت‌داری و اجازه مصاحبه- شونده‌ها به صورت آرشو حفظ و نگهداری می‌شود. با توجه به موضوع پژوهش، تعداد نمونه در این پژوهش در آغاز تعیین نشد و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی در زمینه درونمایه مضامین حاصل شد تا فهم عمیق‌تری از تجربه جنگ و ویژگی‌های قهرمانان آن در مویه‌ها به دست آید. گر چه باید تاکید داشت که با توجه به موضوع پژوهش هر اجرا با ویژگی- های مخصوص به خود شرایط ثبت و حفظ را دارد و هر چه بر تعداد آن افزوده شود، این میراث معنوی مهم از گزند فراموشی در امان مانده است.

پژوهشگر مویه‌ها را برای برگرفتن برداشتی کلی از آن‌ها چندباره مورد مطالعه قرار داد. عبارات یا جملاتی که مستقیماً به جنگ تحمیلی مربوط و درونمایه‌هایی را که بر مضامین اصلی مویه‌ها اضافه شده بود را شناسایی کرد و در نهایت آنان را در قالب مقاله ارایه داد. در مرحله اعتباریابی یافته‌ها، از مشارکت‌کنندگان و اعمال نظرات آنان و پژوهشگران این حوزه در ارایه نتایج و توصیف نهایی بهره برده شد.

^۱ - هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳/ ۴/ ۱۳۷۲ بنا به پیشنهاد شماره ۳۸۳۹۳ مورخ ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۷۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (ب) ماده (۴۸) قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۷۱/ ۲/ ۷ - مناطق جنگ زده کشور را شامل مناطقی از استان‌هایی (آذربایجان غربی، ایلام، کرمانشاه، کردستان، خوزستان، لرستان و جزیره خارک بوشهر) تصویب نمود.

جنگ تحمیلی در استان ایلام

وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله‌ی عراق علیه ایران هزینه‌های سنگینی در تمامی ابعاد بر مردم ایران و به ویژه مردم و ساکنان استان‌های جنگ‌زده و مرزنشین تحمیل کرد. استان ایلام به عنوان یکی از کانون‌های جنگ تحمیلی در طول دوران دفاع مقدس خسارات و تلفات سنگینی در همه‌ی ابعاد از مشکلات و خسارات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفته تا هزینه‌ها و تلفات انسانی متحمل شد. در این بین تاثیر تلفات انسانی بسیار بیشتر از دیگر هزینه‌هایی است که در طول دوران جنگ بر مردم این سامان تحمیل گردید.

مسئله‌ای که با گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ به علت آلودگی بخش عظیمی از قلمرو استان به ویژه مناطق مرزی به مواد منفجره و میادین مین و بمب‌های عمل نکرده‌ی به جا مانده از آن دوران، قربانی می‌گیرد و موجب شهادت و قطع عضو و مجروح شدن تعداد بسیار زیادی از مردم و ساکنان استان شده است. اصولاً هزینه‌ها و تلفات انسانی مهم‌تر از سایر هزینه‌هاست، چرا که بر تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی جامعه تاثیر دارد. علی رغم این که جمعیت استان ایلام در طول دوران جنگ تحمیلی کمتر از ۵۰۰ هزار نفر بوده است، ولی بیشترین اعزام نیرو به جبهه را در سطح کشور به نسبت جمعیت داشته است، به گونه‌ای که بیشتر از ۶۰ هزار نفر از مردان ایلامی به صورت مستقیم در جبهه‌های جنگ استان و حتی خارج از استان حضور داشته‌اند و همین حجم عظیم نیروی بومی بود که سبب ارتقای سازمانی تیپ ۱۱۴ حضرت امیرالمومنین به لشکر ۱۱ حضرت امیرالمومنین گردید. در خصوص هزینه‌ها و تلفات انسانی جنگ تحمیلی، رقم قطعی و نهایی موجود نیست و نمی‌توان با قاطعیت تعداد شهدا را بیان داشت. استان ایلام با حدود ۳۰۰۰ شهید از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون داشته است. تعداد زیادی از شهدای استان ایلام در جبهه‌های برون استانی (کردستان، کرمانشاه و خوزستان) به شهادت رسیدند.

حضور ۳۳۱ نفر آزاده و ۱۰۱۸۳ جانباز از کارنامه مردم ایلام در جنگ تحمیلی است. حضور مردم در دفاع و مقاومت کاملاً فراگیر بود، آن چنان که همه‌ی مردم استان - بسیجی، پاسدار، ارتشی، طلبه، دانش‌آموز، دانشجو، فرهنگی و دیگر اقشار در میدان رزم و دفاع حضور داشتند. چه بسیار خانواده‌هایی که بیش از ۳ عضو خانواده را در جبهه‌ی جنگ و خط مقدم فدای کشور نمودند و چه بسیار افرادی که همه خانواده خود را در جریان حملات و بمباران‌های هوایی رژیم عراق از دست دادند (صحرايي، ۱۳۹۲، ۱۳۲).

ردیف	شهرستان	تعداد شهدا ^۱
۱	آبدانان	۲۰۳
۲	ایلام	۱۳۰۶
۳	ایوان غرب	۳۳۸
۴	دره شهر	۱۶۴
۵	دهلران	۲۲۶
۶	شیروان چرداول	۲۴۶
۷	ملکشاهی	۲۱۸
۸	مهران	۱۸۹
۹	جمع کل شهدای استان ایلام	۲۸۹۰

^۱ و ^۲. منبع تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام، محمد صحرايي، ۱۳۹۲، ۲۶۵.

^۳ مصاحبه با سردار جمال شاکری فرمانده سپاه امیرالمومنین استان ایلام در نشست همدانگی کنگره ملی ۳ هزار شهید استان ایلام.

ردیف	توزیع قشری شهدای استان ایلام	تعداد شهدا ^۱
۱	دوران انقلاب	۷
۲	دانش آموز	۳۷۴
۳	دانشجو	۱۶
۴	طلبه	۱۱
۵	فرهنگی	۵۵
۶	پاسدار	۶۷۵
۷	بسیجی	۵۲۵
۸	ارتشی و ژاندارمری	۴۱۴
۹	زنان شهید	۳۳۳
۱۰	مردان شهید	۱۴۵
۱۱	سایر	۳۳۵
۱۲	جمع کل شهدای استان ایلام	۲۸۹۰

حجم بمباران‌ها و هجوم‌ها به ایلام و مردم آن بسیار زیاد بود، بیش از ۳۰۰ بار بمباران شهرهای ایلام و به ویژه ۱۳۰ بار مرکز استان باعث شده است که این استان یکی از استان‌های پرتهاجم در دوران دفاع مقدس شناخته شود:

۴۲۰ کیلومتر مرز مشترک استان ایلام و شهرستان مهران با عراق و رشادتهای فراوان در طول هشت سال دفاع مقدس در دفاع از مرزهای کشور با کمترین امکانات، از افتخارات مردم ایلام است.

استان ایلام آماج حملات مستقیم دشمن قرار داشت و تمام مردم این استان از پیر و جوان و زن و مرد، ایلات و عشایر، هر کدام به نوعی از آب و خاک کشور دفاع می کردند، درصد ناچیزی از رنج‌ها و مرارت‌ها و رشادت‌های مردمان این سرزمین در سطح ملی منعکس شده است.

مردم ایلام هنگام حمله هوایی دشمن عقب می نشستند و به جنگل‌ها پناه می بردند و هنگامی که شهر آرام می شد دوباره باز می گشتند و مقاومت می کردند و بیشتر اوقات در زیر چادرها در تابستان داغ و در زمستان سپری می کردند و در طول هشت سال دفاع مقدس، مدلی متفاوت از ایثار و مقاومت را در جهان به نمایش گذاشتند که مستلزم بازخوانی و ارائه در برنامه‌های فرا مرزی و بلکه در جهان است.

هنوز آثار جنگ در برخی از شهرهای آن به وضوح دیده می شود، ۳۴۰ بمباران شهری و ۱۶ مورد حمله شیمیایی و ۵۰ عملیات در جغرافیای استان ایلام به ثبت رسیده است:

«در استان ایلام تعداد خانواده‌های دارای دو شهید ۱۵۱ خانواده، سه شهید ۲۶ خانواده، چهار شهید ۱۷ خانواده، پنج شهید ۷ خانواده، شش شهید ۳ خانواده، هفت شهید ۲ خانواده، ۹ شهید ۳ خانواده و بیش از ۱۰ شهید ۲ خانواده وجود دارد»^۲.

مویه و مور

مویه در لغت به معنی گریه و زاری، موییدن، گریستن، نوحه و زاری آمده است (معین، ۱۳۸۳، ۹۱۶؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳) که مخفف آن «موی» است.

مویه یکی از سنن بسیار کهن و بر جای مانده از ایران باستان است که در وصف مصیبت‌های بزرگ چون مرگ عزیزان، بزرگان، جوانان و پهلوانان و قهرمانان جنگ به زبان کردی، لری، لکی و عربی خوانده و اجرا می‌شود. مویه‌ها با خود دنیایی از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و آرمان و آرزوها و اندیشه‌ها را به همراه دارند و در بسامد کوتاه و اندک خود دنیایی از معانی را به شنونده پیشکش می‌کنند که آرامش دهنده روح و روان اشخاص است.

این آواز و آوا ذاتا غمگین و دل‌تنگ بوده و با اشعار حماسی و عاطفی حزن انگیز خوانده می‌شود. این نوع آواز در تمام نواحی غرب ایران اجرا می‌گردد. مویه اغلب به صورت تک‌خوانی و دو خوانی اجرا می‌شود. اشعاری که در مویه‌ها خوانده می‌شوند، معمولاً ده هجایی و غالباً با مضامین تغزلی و حماسی‌اند. در خواندن مویه از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود. این آوازها معمولاً در تنهایی به صورت انفرادی اجرا می‌شود. مویه‌ها، تک بیت‌هایی هستند که سرایش آن را «مور» می‌نامند و به کسی که آن را با آهنگی حزین می‌خواند مورآر، دنگ کر یا هوره چر می‌گویند. در گوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه چهارگاه، گوشه‌ای به نام مویه در دستگاه سه گاه گوشه آواز مویه و در دستگاه همایون گوشه‌ای به نام مور وجود دارد (سیف زاده، ۱۳۷۷، ۲۲۸).

در مویه هر نوع گمشده‌ای به فراخور نقش و پایگاه اجتماعی با ابیاتی آهنگین، ساده و سوزناک توصیف می‌شود و بدین سان قطرات اشکی که در اندوه عزیزی از دست رفته بر گونه‌ها جاری می‌شود، بسان جریان آبی سرد، آتش درون بازماندگان در غم نشسته را فرو می‌نشاند (فرزین و غضنفری، ۱۳۷۷، ۷۴).

این ابیات سروده شده توسط زنان یا بعضی از مردان، تنها بازگو کننده صفات فرد در گذشته نیست بلکه همچنین معطوف به نقش فعالش در زندگی اجتماعی است. سراینده‌گان مویه جز مردمان عادی‌اند که در جریان زندگی در ادوار مختلف به اتکا ذوق و قریحه سرشار خود با زیباترین الفاظ خود، شرح دردها و رنج‌های پیش آمده را باز گفته‌اند. در شکل‌گیری و سرچشمه مویه‌ها عوامل تاریخی، مذهبی و آیینی، عوامل انسانی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی و طبیعی نقش دارند. بنابراین مطالعه ادبیات مویه از جهت شناخت شیوه‌های تاریخی زندگی مردم می‌تواند بسیار سودمند و پر بار باشد. در مویه معمولاً یک یا دو و گاهی چند زن با هماهنگ کردن ریتم صداهایشان با یکدیگر در رثای تازه در گذشته مور می‌خوانند و بقیه زنان که تحت تاثیر مویه قرار گرفته‌اند، گریه می‌کنند.

مویه‌های مردم ایلام هم به لکی، کردی، لری و عربی است. موضوع سروده‌ها و مویه‌ها در وصف بزرگان سیاسی و اجتماعی، در وصف کشاورزان و کشاورزی، افراد شجاع و دلیر، وصف شهدای جنگ تحمیلی و رزمندگان، افراد جوانمرد، در وصف زنان، رزم-نامه‌ها و شکایت نامه‌ها است. امروزه اغلب مویه‌ها در وصف شهدای جنگ و جوانمردها است. بعد از تجربه جنگ و در دوران جنگ در مویه، شهدا به مثابه جنگاورانی دشمن شکن که پرچم کشور را در برابر دشمن بر افراشته‌اند توصیف می‌شوند. در رثای شهیدان این تنها زنان نیستند که مویه می‌خوانند، بلکه مردان بسیاری نیز مور می‌خوانند و اشعار و نحوه خوانش مویه و مورها نیز به مداحی‌ها راه یافته است.

مور در واقع همان مویه است که با ویژگی‌های مردانه‌اش مختص به مردان است. زنان معمولاً مویه سر می‌دهند و مردان غالباً مور می‌چرند. مور در واقع مخصوص لحظات دل‌تنگی و تنهایی مردان است و معمولاً بدون ساز است و یا با سازی محلی اجرا می‌شود. در هر بیت مور نقطه ایستایی پایه برای بیان واژه‌های شعر و سپس ادامه نغمه در تحریری بریده و تکراری که از گلو با دهان

نیمه باز شکل می‌گیرد ادامه می‌یابد. مضمون شعرهای مور شکایت از درد و غم و رنج‌های روزگار و از دست دادن فرزندان جوانمرگ یا شهید است (فاضلی و غفاری‌پور، ۱۳۹۵، ۴).

ابیات مویه نسل به نسل و سینه به سینه منتقل گردیده است و بی‌شک هر ایلامی، با این آواز حزین آشنایی دارد و کلمات آن را فرا گرفته است و در مواقعی که احساسات او به غلیان در می‌آید، زیر لب با آهنگی ملایم زمزمه می‌کند. وظیفه مویه‌خوانی عموماً بر عهده زنان است. به این ترتیب که زنی که در آهنگ و اظهار کلمه موفق است؛ ابتدا می‌سراید و بلافاصله همسرایان با وی هم آوا می‌شوند و بغض دلسوختگان را می‌ترکانند. شدت تأثیر این آواز در صورتی که به نحو مطلوب و بایسته اجرا گردد، به حدی است که به راحتی احساسات شنونده را به غلیان و جوشش در آورده و وی را وادار می‌دارد تا هق‌هق گریه سر داده و چون ابر بهار، از دیدگان بیارد. این شورانگیزی و تأثیر، زمانی که زنان با هم، همخوان و هم‌نوا می‌شوند به اوج خود می‌رسد.

مردان نیز بر سر مزار لب به مور می‌کشایند و در گروه‌هایی که غالباً دو نفره است؛ در حالی که سرهایشان را به هم نزدیک کرده و با دست یا دستمالی چشمان خود را پوشانده‌اند، در رثای آن عزیز از دست رفته، ابیات پر محتوایی را که بار عاطفی زیادی نیز دارد، با هم می‌خوانند. حاضران در این زمان سکوت می‌کنند و فضایی غمبار و بغض‌آلود بر آن محیط حاکم می‌شود. این هم‌نوایی آن چنان زیبا و دل‌انگیز و در عین حال اندوهناک و غمبار است و چنان فضای هیجان‌انگیز و پر شوری می‌آفریند که حاضران را در میان گریه، بی‌تاب و از خود بی‌خود ساخته و به کلی مسحور و مجذوب می‌کند. در رثای شهدا به خاطر جایگاهی که در نزد مردم دارند و به خاطر نحوه مرگشان و حتی سن آن‌ها هنگام شهادت مویه‌هایی سوزناک‌تر خوانده می‌شود که نشان از عظمت مردانی است که در راه میهن و آرمان‌های خود جانفشانی کرده‌اند. در هم‌نواییهایی که توسط زنان و مردان خوانده می‌شود، مویه‌خوانان گاه به گذشته گریزی می‌زنند و با ذکر اموات حاضران در مجلس، همدردی بیش از پیش ایشان را بر می‌انگیزند و ضمن ایجاد یگانگی و تعصب و همدلی بیشتر در میان آنان مرزهای مکان و زمان را از میان بر می‌دارند. گویی همه مصیبت‌ها یک جا دست داده و آن همه ماتم و اندوه که در گذشته و حال اتفاق افتاده به یکباره رخ نموده است. بدیهی است که قدرت و شدت تأثیر مور به دو عامل مهم بستگی دارد: ۱. شخص یا اشخاص مویه‌گر (مور آر) از طریق تسلط بر موضوع مویه و زیبایی و حزن‌انگیزی صوت ایشان ۲. ابیات و سروده‌هایی که گزینش شده و برای خواندن مویه مورد استفاده قرار می‌گیرند. مویه‌های که برای شهدا خوانده می‌شود از نظر محتوا، در اوج هستند. این اشعار مملو از تصویرهای شاعرانه ایجاز، تشبیه، ایهام و مبالغه می‌باشند. مویه‌ها را می‌توان با توجه به محتوای کلامی آنها در دسته‌های مجزایی مانند؛ مویه مردان، مویه زنان، مویه جوانان، مویه سرداران ایل، مویه آیینی، مویه در وصف غم تنهایی و مویه در شکایت از چرخ فلک، قرار داد. تجربه جنگ تحمیلی، شهادت هزاران شهید، مقاومت و ایثارگری مردم، آوارگی و چشم‌انتظاری برای شهدای گمنام و شهادت حاج قاسم مضامین جدیدی هستند که مویه‌ها را از نظر محتوای درونی خود با تغییراتی روبه‌رو کرده‌اند. امروزه زنان ایلامی در مراسم‌های آیینی پرسه^۱، چمر^۲ و چابینه^۳ و عروسی قاسم^۴ مویه‌هایی برای شهدا، عزیزان

^۱ - مراسم پرسه به هنگام فوت عزیزان شکل می‌گیرد. گروه‌های شرکت کننده در این مراسم اغلب مردان و زنان مسن و بزرگسال تشکیل می‌دهند.

^۲ - چمر آیینی نمایشی است که با ساخت و پرداختی تاریخی ریشه در رفتارها و مناسک آیین کهن ایرانی دارد و برگرفته از اسطوره‌ها و داستان‌های ایرانی هم چون سوگ سیاوش یا سیاووشان دارد. این مراسم در ایلام به هنگام بزرگداشت اشخاص متمکن و سرشناس و یا مشهور برگزار می‌شود. هم‌اکنون این مراسم هر سال در ماه محرم در تکریم و بزرگداشت امام سوم شیعیان و شهدا به اجرا در می‌آید که با شور و حرارت بسیاری برگزار می‌شود.

^۳ - چابینه به عنوان یک مجلس سوگواری در ایلام، توسط کردهای عرب ساکن در این استان برگزار می‌شود. امروزه این مراسم کاملاً زنانه بوده و با دخالت و نقش آفرینی زنان در تعزیت شهدای والا مقام و افراد جوان و صاحب نام برگزار می‌گردد. این مراسم در دهه اول ماه محرم از شور و حرارت بیشتری برخوردار است.

مفقود الاثر خویش، جانبازان، شهدای گمنام و حاج قاسم می‌خوانند. این مضامین تغییر یافته اما در سبک‌های مختلفی در مجالس رسمی و غیررسمی مانند: دو پوکی^۱، لافاوی^۲، پاترمی^۳، پاکوتلی^۴، کزه چر^۵، لوره لور^۶ و درونی^۷ خوانده می‌شوند.

مقایسه مویه با دیگر نواهای آیین سوگواری در مناطق مختلف مردم ایران

مناسک سور و سوگ به عنوان دو واقعیت مسلم در زندگی قومی مردمان ایران زمین از دیرباز جایگاه مهمی را داشته است. آیین‌های متنوع و همراه با موسیقی که برای جلوه‌دادن سور و سوگ پدید آمده‌اند، حکایت از اهمیت این دو مقوله برای ایرانیان دارد. آوا، آواز و موسیقی از دیرباز عجین و آمیخته با زندگی انسان‌ها بوده است. آواها همیشه به عنوان بخشی از زندگی انسان‌ها نقش عمده‌ای در تمایلات درونی آن‌ها داشته‌اند. موسیقی، آواز و آوا جزء لاینفکی از روح و روان آدمی بوده و به عنوان محرکی برای اغنای نیاز درونی وی قلمداد شده است (مرادی مهر و مرادی مهر، ۱۴۰۲، ۲۱۵). موسیقی درگذشتگان نه یک هنر بلکه بخش جدایی ناپذیری از وجوه مختلف زندگی آیین‌های قوام یافته مرتبط با آن، تولید، اجرا و درک می‌شد. مهمترین تجلی‌گاه موسیقی در زندگی بشر قدیم، بزنگاه‌هایی چون تولد، ازدواج، کار، جنگ، مرگ، خشونت‌های طبیعت و راز و نیاز بوده است (بهمنی و احمدی اوندی، ۱۴۰۰، ۲). گاگریو کلمه‌ای مرکب از دو مصدر «گودن و گریوستن» معادل گفتن و گریستن فارسی است که از سوزناک‌ترین انواع عزاداری‌ها در میان ایل بختیاری و بهمنی است به دلیل اینکه ماده اصلی اشعارش را احساس و عاطفه تشکیل می‌دهد جز ادبیات غنایی محسوب می‌گردد و لو این‌که در پاره‌ای موارد صبغه حماسی نیز ملاحظه می‌گردد (شهریاری، ۱۳۹۶، ۱۱۴). موسیقی مقامی بختیاری ملهم از نای چوپانان، لالایی مادران، ترانه‌های عاشقانه، مظاهر طبیعت، نوای کار و فعالیت، حوادث و اتفاقات زندگی پر مشقت ایلی است. این نوع موسیقی پا به پای شکل‌گیری اجتماعات در گذر زمان و در بستر حوادث تلخ و شیرین تکوین و تکامل یافته است. در میان این دو ایل «یاریار» مویه‌ای بر غم هجران و دشواری بار فراق است که قدمتی کهن دارد (بهمنی و احمدی اوندی، ۱۴۰۰، ۱۶-۱۵).

۴- از مراسم‌های مهم در میان اعراب کرد شیعه که در ایلام برگزار می‌شود؛ عروسی قاسم (ع) در شب هشتم ماه محرم است. این مراسم با شرکت عده‌ی کثیری از زنان صورت می‌گیرد.

۱- mūr dwe pūki: در این نوع مویه به هنگام اجرا قسمتی از صوت آن در مصرع اول دو بار شبیه هم تکرار می‌شود و موقع خواندن بیشتر به گلو چرخانده می‌شود. این نوع مویه در مجلس بزرگان و سرداران بزرگ و شهدا خوانده می‌شود و هم توسط زنان و هم توسط مردان اجرا می‌شود.

۲- mūr lāfāwī: این مویه بسیار سریع و به صورت روان خوانده می‌شود و از نظر ریتم و مقام از جایگاه خوبی برخوردار است و هر کسی هم نمی‌تواند این سبک مویه را اجرا کند، بلکه افرادی که گلویشان آمادگی لازم برای تند خوانی دارد می‌توانند این سبک را اجرا کنند.

۷- mūr pātarm: این مویه پر طرفدار و عمقی خوانده می‌شود و به صورت نازک و صوت آن طولانی و جذاب و دل‌تنگ کننده می‌باشد و مور خوانان مقام های این سبک را در کنار جسد می‌خوانند. این نوع مور هم توسط زنان و هم مردان اجرا می‌شود.

۸- mūr pākwetali: این مویه زمانی خوانده می‌شود که کتل را به وسیله اشیا و لباس و به خصوص اسلحه و شمشیر و عکس و با تناسب شخصیت فرد متوفی درست کرده باشند. کتل برای زنان نیز از لباس های زنان و اشیای قیمتی و آراستنی‌های دیگر آماده می‌سازند و مورخوان در کنار کتل قرار گرفته و مویه‌هایی را با گریه سر می‌دهد. این نوع مور هم توسط زنان و هم توسط مردان اجرا می‌شود.

۹- mūr keza čef: این مویه در مراسم پرسه، چهلم و سرسال خوانده می‌شود. این نوع مویه هم توسط زنان و هم توسط مردان اجرا می‌شود.

۱۰- mūr lūralūr: این مویه را معمولاً پیرمردها و پیر زنان و افراد تنها و دل‌تنگی به صورتی آرام و کند، می‌خوانند. این مویه از بقیه‌ی مویه‌ها کمرنگ تر است و زبان مور خوان در موقع خواندن این نوع مویه سنگین حرکت می‌کند. اشعار و ابیات این نوع مویه در حین خواندن برای شنوندگان مفهوم واضح ندارد.

۱۱- mūr darūni: سبک و روش و خواندن و اجرای این مویه عالی بوده و بسیار عمقی و به صورت نازک و با صوتی طولانی و دل‌تنگ کننده می‌باشد که بیشتر در وصف افراد جوان مرگ و شهدا خوانده می‌شود. در واقع کسانی که خجالتی بوده و در مجالس نمی‌توانند مویه بخوانند در مواقع تنهایی و ناراحتی و جهت ابراز احساسات خودشان این مویه را سر می‌دهند. این نوع مویه توسط زنان و مردان اجرا می‌شود.

در گاگریوای زنانه و در مجلس سوگ مانند مویه‌خوانی زنان ایلامی یک زن شاخص ایل و طایفه (زنی سرشناس) بیتی در سوگ نوگذشته و شهید می‌سراید و زنان دیگر که با او در حلقه‌ای نشسته‌اند با بیت او همراهی می‌کنند و سپس زنی دیگر بیت بعدی را می‌سراید و باز زنان دیگر آن بیت را نیز همخوانی می‌کنند.

از دیگر آواهایی که می‌توان به مانند مویه‌ها دانست شروه‌ها هستند. شروه عموماً آوازی است حزن‌انگیز و سوزناک که در میان مردم جنوب کشور مانند بوشهر، هرمزگان و خوزستان در زمان مرگ و یا کشته شدن و شهادت و از دست دادن عزیزان توسط زنان بر فرد متوفی خوانده می‌شود و در ضمن آن صفات و ویژگی‌های فرد فوت شده با اندکی غلو بازگو می‌شود. شروه نغمه‌ای سوزناک است که در مایه دشتی به صورت تک نفری و به طور معمول در گوشه بختیاری اجرا می‌شود (قیم، ۱۳۹۸، ۶۶). موسیقی علوانیه نیز مانند مویه و شروه خیلی غمگین و حزين است و از معروف‌ترین سبک موسیقی مردم عرب خوزستان محسوب می‌شود (همان، ۵۸).

موتک در نواحی مختلف بلوچستان رایج است و در هر منطقه اسمی خاص یافته است. دو واژه موتک و مودگ از سایر واژه‌ها بیشتر به کار می‌روند و ریشه لغوی آن‌ها احتمالاً موتک از موت و مودگ از مویه مشتق شده باشند. موتک‌ها اشعار ساده و در عین حال متأثر کننده‌ای هستند که به وسیله زنان به هنگام مرگ کسی با آواز غم‌انگیزی خوانده می‌شوند. به ویژه موتک به وسیله مادران به هنگام مرگ فرزندان‌شان همراه با مویه و زاری است و بسیار متأثر کننده است. در این مراسم زنان به دور از مردان در جای مشخصی که بانوی خانواده داغدار در آن جا است اجتماع می‌کنند و با خواندن اشعار ویژه‌ای گریه و زاری سر می‌دهند. اشعار به وسیله مادر، خواهر و نزدیکان خود مرحوم و یا زنان مسن دیگری خوانده می‌شوند و دیگران گاه با تکرار ابیات در این مراسم متالم کننده شرکت می‌کنند (ملازهی پسکوه، ۱۳۷۱، ۳۴).

مویه به علت متکی بودن به بدیهه سرایی، ساختار ریتمیک و ملودیک بر مبنای مثر آزاد و اشعار ده‌هجایی و فهلویات و نوع گلوخوانی‌های منقطع و ممتد و نزدیکی به آواهای طبیعت و کوهستان و عدم استفاده از ساز نیاز به تخصص و مهارت زیادی به درک و فهم موسیقی به لحاظ تئوریک و آکادمیک نداشته و توسط زنان و مردان عادی و به اشکال گوناگون فردی یا جمعی و یا فردی و جمعی خوانده می‌شود (مرادی مهر و مرادی مهر، ۱۴۰۲، ۲۱۷).

در مقایسه با دیگر انواع آواهای آیینی سوگ، مویه‌ها از نظر ساختار موسیقایی بسیار غنی هستند و به لحاظ اجرایی، مقام و دستگاه ثابتی دارند. فواصل به کار رفته در اجرای آن‌ها متناسب با ذایقه موسیقایی مردم کرد، رنگارنگ است. به همین دلیل ما با انبوهی از اجراهای مویه روبه‌رو هستیم که علاوه بر لحن و لهجه فواصل موسیقایی آن‌ها نیز متفاوت شنیده می‌شود. مویه، مور، هوره از شاخص‌ترین آواهای قوم کرد است. این شیوه آوایی که مبتنی بر تکنیک‌های خاص آوازی و ادای حلقی اصوات شعری است در حوزه‌ی جغرافیایی مردم کرد اجرا می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تعداد زیادی مویه و مور (لکی، لری، کردی و عربی) جمع‌آوری، پیاده و آوانگاری شد. بعد از مطالعه آن و بر اساس یافته‌های این پژوهش که بر مویه‌های متأثر از جنگ تأکید داشته است، مضامین آن دسته بندی شد.

۱- مضامین رزمی و حماسی؛ مضمون این مویه‌هایی که برای شهدا خوانده می‌شوند عموماً رزمی و حماسی اند؛ وصف اسب (کهر، سمند، سگلاوت، کمیت)، تفنگ (برنو، کلت)، فشنگ، پوکه فشنگ، قطار، طبل جنگی، دوربین، سنگر و غیره اصلی ترین بن مایه های این مویه‌ها هستند و بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. واژه هایی نظیر کوه، شبیخون، رکاب،

قله، دریا، شیر و پلنگ نیز حماسی و محمل مفاهیمی همچون شجاعت، صلابت و عظمت افراد هستند. در تلمیحات، تأثیر داستان‌های شاهنامه و اشخاص اسطوره‌ای چون رستم، اسفندیار، سهراب، زال، سیاوش، کیخسرو و خسرو پرویز کاملاً مشهود است. امروزه شخصیت حاج قاسم سلیمانی به آن نیز اضافه شده است.

۲- مضامین احساسی و عاطفی؛ از آنجا که تجربه سرایندگان مویه‌ها در آنان به صورت مستقیم انعکاس داده می‌شود. مویه‌هایی که برای شهدا خوانده می‌شود، تجربه بالاترین مفاهیم احساسی و عاطفی را در خود دارد. بیان دل‌تنگی ناتمام مادران و خواهران شهید در واژه‌هایی پرسوز و دلگیر مویه‌ها دل هر کسی را به درد می‌آورد. این دل‌تنگی آنچنان فضای غمباری ایجاد می‌کند که شنونده را تحت تأثیر آن ناگزیر به همراهی با خواننده شده و یا در سکوت اندوهگینی فرو می‌رود.

۳- مضامین تاریخی، اجتماعی؛ اشعار مویه و مور برآیند زندگی اجتماعی افراد هستند و نشان می‌دهند که مویه به عنوان شکلی از ادبیات شفاهی توانایی نمایش زندگی شخصی، مسایل اجتماعی و اتفاقات تاریخی را دارد. از آنجا که مویه آوایی باستانی و کهن است و ریشه در تاریخ این مرز و بوم دارد، می‌تواند تاریخ و وقایع اجتماعی را که بر مردم گذشته بازنمایی نماید. در مویه‌ها به وقایع اجتماعی و تاریخی مانند جنگ، شجاعت سرداران و فرماندهان و آنچه بر آنان گذشته به صورت مستقیم اشاره می‌شود.

۴- مضامین اخلاقی، دینی و آیینی؛ گرچه مضامین مویه‌ها بازنمایی حوادث تلخ و غم انگیز چون مرگ یا سختی، دل‌تنگی، فراق، بیان دلیری و شجاعت، شهدا و جنگ است، اما اغلب مضامین این مویه‌ها با مسایل اخلاقی، دینی و آیینی در هم تنیده شده‌اند. طبیعی است که هیچ واقعه‌ای به اندازه تولد و مرگ و شکل مرگ در زندگی مهم نباشد، از این رو شهادت برای وطن و اعتقادات خود از مهمترین مضامینی است که بر مضامین اصلی مویه‌ها به خاطر تجربه جنگ و شهادت به آن اضافه شده است.

مویه‌های مناطق «لک نشین» در دوران جنگ تحمیلی

لک زبان‌ها برای شهیدان و بر روی جنازه و قبور آنان مور می‌خوانند. خواندن مور در میان این قوم کهن، بر دو نوع است: یکی اجرای چند نفری با صدای زنان و دیگری تک نفری توسط مردان گاهی اجرای مور توسط مردان به صورت دو نفری یعنی دو دنگی نیز انجام می‌شود. در منطقه هلیلان و زردلان، مناطق لک نشین استان ایلام چون دره شهر، مناطق جنوبی استان همدان، مناطقی از استان کرمانشاه و لرستان مور خوانده می‌شود. علاوه بر مردها معمولاً یک یا دو و گاهی هم چند زن با هماهنگی کردن ریتم صدایشان با یکدیگر در رسای شهدا مور می‌خوانند و بقیه زن‌ها گریه سر می‌دهند. معمولاً اشعار این آواز حماسی و عاطفی بوده و توسط شعرای گمنام این دیار سروده شده است.

مویه لکی معمولاً توسط یک زن بنام و در مقام سرخونی وش که رهبری مویه سرایی زنان را به عهده دارد، اجرا می‌شود. شغل و تخصص این زنان مویه سرایی با اشعاری به لکی در اندوه شهدا است. مویه لکی با مقامی موسیقایی و کشش‌های کوتاه و بلند و متر مشخص و با مقطع آغازی و پی در پی اجرا می‌شود که با هم‌نوایی و صداهای زیر و بم زنانه و کلمات اشعاری مابین اصوات رگه‌هایی چنان غمبار ایجاد می‌کنند که شنونده را تحت تأثیر آن ناگزیر به همراهی با خواننده و یا در سکوت اندوهگینی فرو می‌برد (موسوی، ۱۳۹۴، ۳۴).

• مویه‌های لکی

- kelax xufenâk, nâxâterjamen
ar reme tâjdâr čami mâr damena
دژمه ن خوفناک، ناخاطرچمن
ثر رمه تاجدار چمی ماردمن
دشمن بیمناک و پریشان حال هستند و این به خاطر صدای تفنگ دقیق و با شکوه تو است.
- rema tewil mây, hâ va jang a va
xorišâ hoška šana va
رمه طولی مای، ها وه جنگه وه
خوری شا هوشکه شنگه وه
صدای طبل جنگی به گوش می رسد، سپاه می خروشد و کاملاً مسلح است.
- ya kâwe kiya hâ va zin ava
šemšir nima kiš dam vax onia va
یه کاو کی یه هاوه زینه وه
شمشیر نیمه کیش دم و خونیه وه
این اسب کیست که بر آن زین نهاده اند و شمشیرش آماده نبرد خونین است؟
- va qolupe bernâw, ber ber, binava
jeft jeft pel mahorâd va xâk xoina va
و قلو په برتاو، بربر، بی نه وه
جفت جفت پل مه هوارد و خاک خونیه وه
با شلیک برنوی تو صف دشمنان از هم گسست و دسته دسته پا به فرار گذاشتند و تیرهای دقیق تو آنها را جفت جفت در خاک و خون غلتاند.
- sangar sangare, sangar gir iâya
ar čerike bernâw, sangar remiâya
به سنگر سنگره، سنگر گی ریایه
ار چریکه برناو، سنگر رمیایه
صدای سنگر سنگر به گوش می رسد. دشمن در سنگر خود مستقر شده است و از شدت تیراندازی سنگرها ویران شده اند.
- ber bero tip tip, alam diâra
berâ yaki bin var oi hezâra
بر برو تیپ تیپ، علم دیاره
برا یکی بین و روی هزاره
گروه گروه و دسته دسته، علم به چشم می خورد، برادر جان تو یکی بودی؛ اما با هزار نفر برابری می کردی.
- qatâr pičiyâ, pâ nâye râwa
va tir mapičâi mal va hâwâwa
قطار پی چی یاب، پا نایه راوه
و تیر مه پیچای دژمه ن وهاواوه
قطار فشنگش را بر کمر پیچید و رو به راه نهاد، تیرهای دقیق او دشمن را مغلوب می کرد.
- asbe berâkam hâ va zina va
yâlo dom rašta hâ va xoina va
اسب براکم ها و زینه وه
بال و دم رشته ها و خونیه وه
اسب برادرم زین شده است و یال و دم آن آراسته و خونین است.
- ar jâ sangarakat šangi dima va
qadim kuri bim, âzâ bima va
ثر جا سنگر کت شنگی دیمه وه
قدیم کوری بیم، آزا بیمه وه
در جای سنگر تو یکی از فشنگ هایت را دیدم، کور ناعلاجی بودم اما با دیدن آن بینایی ام را دوباره به دست آوردم.
- حیف ا تونم بو گل و بانت بو
گل و بان دشمنانت بو

Heife tonem bu gel va bănet bu
A gel va băne doşmanănet bu

حیف توست که گل روی تو را بپوشاند، آن گل می بایست نصیب دشمنانت شود (در ستایش مقام گرانقدر شهیدان).

۱۱. لا شکت کتبه چین خرمانی گل سرت بی ژوان دس و بان دل

Lāshakat katia chin kharmāni gol

Saret bi zowan das ve bāne del

بدن تو مانند خرمنی از گل روی زمین افتاده است، در حالی که نمی توانی حرف بزنی و دستهایت بی حرکت هستند (تشبیه شهیدان به گلستان و خرمنی از گل یکی از تشبیهات پر کاربرد در مویه‌ها است).

۱۲. خوشال و سنگی که ها و شرینت گوش مدای و دنگی راز درینت

sarinet Khoashāl va sangi ke hā va

Ghushme dāi va dang rāze darinet

خوش به حال سنگی که روی جسد تو گذاشته اند. چون می تواند رازهای درون تو را بشنود (شهید و رازهای خود و شهادتش جز ارزشمندترین دارایی‌هایی است که برای بازماندگان خواهد ماند).

۱۳. تو نچو نچو یه قلانته دل دارو و بیدل گل حیرانته

ya ghelāneta To nachu nachu

Deldār o bidel kol heyrāneta

تو نرو نرو که این رفتن مرگ تو را رقم می زند و کشته می شوی، در حالی که دل و دلدار همه عاشق و حیران تو هستند (شکل مرگ تاثیر زیادی بر مواجهه دیگران با فرد متوفی دارد. شهید در راه آرمان و ارزش های میهن و انقلابش به شهادت رسیده است و به همین دلیل مورد احترام، ستایش و تقدیر و الگوی بازماندگان است).

۱۴. وریزو و خوا وقت نماز فایی امامان و ریوت و از

warizu wa xuwa waqte nemaza

Qapi ememan wariwet waza

برخیز به خدا وقت نماز است درگاه امامان به رویت باز است

۱۵. دیوان دیوان او یا بنه و ور کلامیل خرج که چپودانه و گوهر

دیوان دیوان است قدم به جلو بگذار کلام ها را مانند در و گوهر خرج کن (اشاره به اهمیت حرف و سخن شهیدان دارد که مانند در و گوهر ارزشمند است).

diwan diwannaw pa bena wa war

kalamayl xarj cio dana wo gawhar

۱۶. نه دنگ شیر و نه ناله شیران دنگ شیر بریا ولکم بی ویران

na dange šira na nalay širan

dange šir berya walkem bi wiran

نه صدای شیر و نه ناله شیران شنیده می شود صدای شیر دلیری به مانند تو دیگر نمی آید و همین باعث ویرانی ملک و آبادی من شده است.

۱۷. چنو برانی و شاو دیزو و او پیچ ملیول کلنگ ریزو

cenaw beranay wa sawdizawa

waw pic malirole golang rizawa

آن چنان شب‌دیز اسب خسرو پرویز را بتازان، که باد در میان یال های تزیین شده اش وزیدن بگیرد (اشاره به دلاوری و رشادت شهدا دارد).

۱۸. باوه مالگم مهمان عزیز برگزیده می قدم آورده نور دیده می

hawa malagam mehmame aziz bargozidami
Qadam awarday nuredidami

بیا به خانه‌ام مهمان عزیز تو را برگزیده ام. قدم رنجه بفرما که نور دیده ام هستی (شهید را بهترین مهمان خود می‌دانند).

۱۹. دالگه باو بنیشینم وه یک بی نیمه رو وانی درد دلمان بکیم ارا یک کسی نزانی

Dalega baw benišm wa yak bi nima ru wani
Darde deleman bekaym arra kasi nazani

مادر بیا در ظهر یک روز با یکدیگر بنیشینم درد دلمان را برای یکدیگر بگویم تا کسی آن را نداند (در این مویه‌ها مادر شهید دلنگ و پر افتخار برای فرزند شهیدش مویه می‌خواند).

۲۰. خوینت شل و پل و روی زام وه چوین عقیق و بان نقره خام وه

Xoinet šal ō pal ō roi zâ ma va
čoin aqiq va bân noqra xâma va

خون تو روی آن پیکر مجروح مانند عقیقی است که بر نقره خام نشانده باشند.

• سوگ آواها لری

مویه لری یکی از دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی است. این مویه از نظر هم صدایی زنان مانند مویه لکی است، اما در کشش موسیقایی و تکیه حرفی و کلامی و صوتی با هم تفاوت دارند. در مویه لری هر زنی که بیت غم انگیزی در سوگ عزیزی آغاز کند، دیگر زنان او را همراهی می‌کنند و لذا بیت آغازین مویه را سر مووه می‌نامند. برخی از نوحه‌ها و ندبه‌ها در مرگ جوانان و شهدا دارای ضرب مشخص و گفت و شنید توصیفی درباره دلآوری و جوانمردی شهدا است. در مویه لری دیگر زنان حاضر در پاسخ و تایید غم زن مویه خوان، « ناله هی وی هی وی مه» سر می‌دهند. وزن شعر در مویه لری هجایی و حالت موسیقایی آن از نظر آوایی کامل است (فاضلی و غفاریپور، ۱۳۹۵، ۴۹).

مویه‌های لری آئینه فرهنگ و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قوم لر در مقاطع مختلف تاریخ است. مویه‌های لری از نوع مرثیه‌های شخصی است، مرثیه‌های شخصی جزء تاثیر گذارترین نوع شعر می‌باشد، چرا که در این گونه شعر، عاطفه بیشترین حجم را داراست و شاعر از صمیم قلب تألم و تأثرات خود را واگویی می‌کند. مویه‌های لری عموماً توسط زنان و مردانی که سواد خواندن و نوشتن ندارند و به صورت فی البداهه، در لحظه آفریده می‌شود و در اثر تکرار در ذهن شوندگان باقی می‌ماند، به همین خاطر بسیاری از این ابیات فاقد ساختمان معمول شعری است و وزن و قافیه ندارد. اما از نظر عاطفی کلام بسیار غنی است و به راحتی احساسات گوینده را به شنونده منتقل می‌سازد. در این ابیات لغات بسیار ساده و روزمره بکار می‌رود و در هیچکدام آنها با لغات غریب و نا مفهوم روبرو نمی‌گردیم. در واقع سادگی اساس مویه‌های لری است، چون این شعر از درون عامه مردم برخاسته، لذا به دور از هر گونه گره و پیچیدگی است و به راحتی بر دل همگان می‌نشیند (رضایی، ۱۳۹۹، ۱۵).

۱. نوعنم سا کمره یا ناله آوعه ناله دالکه خوته جگرش کوو عه

Noenem sâ kamara yâ nâle ow a
Nale dâleka khota jegaresh kevow a

نمی دانم سایه کوه و کمر است یا موج و خروش و ناله آب است، گریه و ناله ی مادر خودت است که جگرش از داغ فرزند کباب است.

۲. دلکم درد میکنه خوعه در اریش ذره ذره ش بکنی و تش بیاریش

Delekam dard mikenā khua derārish
Zara zarash bakeni ve tash biārish

دلّم از غم و غصه به درد آمده است، چقدر خوب می شد دلّم را از سینه به در می آوردم و ذره ذره اش می کردم و به آتشش می کشیدم (در وصف دلتنگی بسیار زیاد برای شهید این مویه خوانده می‌شود).

۳. قد بلن، بالا بلن، زه و هماری شنگ قطار گت خوبون یکه دیاری

Ghad bolen bālā bolen za ve homār
ghatārkat khu bavan yaka diāri

جنگ جوی بلند قامت من، جایگاه تو والا مقام است. قطارت (کمر بند جای فشنگ) را محکم ببند، ای بی همتای نمونه (توصیف رشادت شهدا که آنان را نمونه و بی نظیر ساخته است).

۴. ریت بوئید و دالکم که گرگش مرده چادر کت چارتا بکو بون ده گرده

Ret boid ve dālekam ke korkash morda
Chāderkat chārta bako bavan de gorda

به مادرم خبر مرگ پسرش را بدهید تا چادرش را به رسم عزا به کمر ببندد (چادر به دور گردن یا کمر بستن در بین مردم لرکنایه از عزاداری برای جوانمرگ یا شهیدی والا مقام است).

۵. ور مال سوز ئو پشت مال بهاره پوشنی خوریات قلی داواره

Var māl soz o posht māl behāra
Pusheni khoaryākat ghali doāra

جلوی خانه سبز است و پشت خانه بهار است. از داغ نبودن لباس خواهرانت مانند سیاه چادر، سیاه است. اما شهادت تو باعث سبزی بهاران شده است.

۶. چشیاکم چش و ره ئو پاکم پا ودارنی هر چی سیل ای ره می کم شیوت دیارنی

Chashiākam chash ve ra o pākam pā verdār ni
Harchi seil i ra mikem shivat diār bi

چشم هایم منتظرند و پاهایم قدرت رفتن ندارند. هر چه راه را نگاه می کنم شمایل تو پدیدار می شوند (کنایه از حضور ماندگار شهید در همه جا را دارد).

۷. د بلنی نمی رسه دسم و شونت د عزیزی محورم قسم و جونت

De boleni nemirasa dasem va shonet
De azizi mohorem ghesam ve jonet

از بس قد و بالای بلندی داشتی من نمی توانستم دستم را بر شانه هایت بگذارم، ای جوان رشید و والای من آنقدر برایم عزیزی که به جانت قسم می خورم (اشاره به مقام والای شهدا را دارد).

۸. سنگران بگردیت، چیه و چینه تشمه در اریت، کافر نییه

Sangarāne bagardit china ve china
Lashekame derārīt kāfer neina

سنگرها را یک به یک جست و جو کنید، و پیکرم را بیرون بیاورید تا دشمن کافر آن را نبیند (مویه‌ای که از زبان شهید خوانده می‌شود).

۹. شیر نر گرده کُشی میها بَمیره د کجا بیارم ئو شیر بچه ای جاته بَیره؟

Šir nar gorda keši mihâ bamira
De koja biârem âo šir bač ay jâte bëira

شیر نر تسلیم مرگ می شود (به پشت روی زمین افتاده است) از کجا پیدا کنم شیر بچه ای که جانشین تو شود؟

۱۰. ئی پیا حاکم پیا حیفه بَمیره سی یه ک بوعه ک ژار و فقیره

ây piâ hâkem piâ haife bemire
si yak boka žâr ô faqira

حیف است که این مرد بزرگ بمیرد. چرا که او پدر فقیران و بیچارگان است. (اشاره به مقام گرانقدر شهدا)

• مویه‌های کردی

رایج ترین مویه‌هایی که زنان در مراسم سوگواری و پرسه برای عزیزان از دست رفته خود و درگذشتگان می خوانند، شامل بخش‌های متعدد است که با توجه به احوال شخصی و چگونگی حادثه و نوع مرگ توسط موور آوران خوانده می شود. در جامعه سنتی به جهت پیوستگی‌های شدید عاطفی و خانوادگی، مرگ جوانان برای مردم از دردناک‌ترین غم‌ها به شمار می‌آید، پذیرش مرگ این عده به لحاظ روحی و عاطفی قابل تحمل نبوده و غم و اندوه فراوان برای بازماندگان به همراه دارد. در نظر مردم ناگوارترین و سخت‌ترین مصائب، مرگ جوانان است که کمر شکن بوده و نمی‌توان برای آن جایگزین پیدا کرد. بر همین مبنا، موور برای جوانان شهید از دردناک‌ترین سرودها محسوب می‌شوند و مردم به هنگام سرایش این ابیات، از دیدگانشان اشک جاری می‌شود.

۱. نکه ی یه کی دیای ده و قه ورسانه نکه ی کام شیر، کام قه هره مانه

Nekaê yakê deyâê daw qawaresâna
nekaê kâm šêra, kâm qahramâna

این صدای کدام پهلوان و شیر شجاعی است که در چنگال مرگ اسیر شده است و اکنون ناله‌اش از قبرستان به گوش می‌رسد؟ از خصوصیات بارز جوانان شهید، داشتن قدرت و شجاعت در میدان جنگ است. نیرویی خدادادی که می‌توانند در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت کرده و کوه را از جای برکنند. گویی مرگ در برابر شجاعت و قدرت آنان کارایی چندانی ندارد و با شهادت ایشان نیز ارزش مقام والایشان مشخص می‌شود. این هنگام است که شاعر شجاعت و شهامت جوانان را، در لحظات پایانی عمر به رخ مرگ می‌آورد و هم‌آوردی برای مقابله با عظمت شهادت او نمی‌بیند.

۲. ماسی ده دریا؛ دور خه وینه دالگ دی نیاری جاحل ده ی وینه

Mâsi da daryâ, doŕ-e xawin
dâleg di neyârê jâhel daê weêna

تا ماهی به دریا و در درصدف باشد، مادر گیتی فرزندی به مانند تو دیگر نخواهد داشت که به نظر مصداق این شعر سعدی است: «صبر بسیار بیاید پدر پیر فلک را/ تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید» (تاکید بر مقام والای شهید و ستایش او).

۳. چیت و جات بکوتم، و هر ده روودخانه ده وری بگریمن خیش و بیگانه

Ĉit o jât bekwetem war da iudxana

dawrê begrimen xêş o bêgâna

عزیزم برای پذیرایی از مهمان‌هایت حجه‌ات را کنار رودخانه زیبا بر پا خواهم کرد تا همه مردم از دوست و دشمن کنار هم در آن گرد آیند. برای اینکه مرگ جوانان در نظر پدران و مادران غیر قابل تصور است. اما شهید شدن فرزندشان برایشان فرصت مغتنمی است که خداوند به خاطر عزیزی فرزندشان در نزد درگاه خود نصیب آنان کرده است. آنان می‌دانند که اکنون حجه فرزندشان در بهشت برپا شده است.

۴. نه و دالگ دیه ته وه ته و یه ک مه نیان راز په ری ژیر زه مین ئاورد ئه وه‌وار

Aw dâlegdyatawa aw yak manyân sâz

pari žêr-e zamin âwerd aw hâwâr

آن مادر و دختر آنچنان به غم و مویه سرایی مشغول شدند که پریان زیر خاک را به فریاد آوردند (اشاره به ارزشمندی شهید است که عالم مادی و روحانی در مقابلش سر تعظیم فرود می‌آورند).

۵. گوله ی داسه له ت جه رگت جه شتگه دی نه شهید بکیش ده ت گوزه شتگه

Gwelaê dâsalt jarget jaştega

di aşad bekiş dat gwezastega

فکر کنم گلوله به قلب برخورد کرده، دیگر کار از کار گذشته خود را مهیاب به آغوش کشیدن شهادت کن و شهادتین را بخوان.

۶. گیان ده و گه رگه ره، زوان له نگ و لال دالگ بچرن شیر بکهی حلال

Giân daw gar gara, zwân lango lâl

dâlege beçerên şir bekaê helâl

مادرش را صدا بزنید، مهلت دهید و صبر کنید تا در واپسین لحظات مرگ فرزند، مادر بیاید و شیرش را بر فرزندش حلال کند.

۷. شه ن قه تاره گفت بجه شانه وه وه ر که وه جویه ی مهرز مه یرانه وه

şang qatâragat bexa şânawa

war ka wa juyaê marz-e maêrânawa

قطار پر از فشنگ را بر دوش بینداز و رو به سوی مرز مهران منطقه مرزی ایران، که به عراق نزدیک است بگذار.

۸. قه ت وه قه تار هه زار شه نگه وه هیمانهایته گه رت مه یدان جه نگه وه

Qaêet wa qatâr hezâr şangawa

hêmân hâyta gart maêdân jangawa

چنان خود را مجهز به تجهیزات جنگی کرده‌ای، گویا هنوز در میدان نبرد در حال جنگ هستی!

۹. گوله داسه لهت بالت کرده شهل وینه ی که موتور بر پایه ژه گهل

Gal ža bâlet kerdega šal

wênaê kamutar beryâêa welaê dâsalt

تیر به بازوانت اصابت کرده و مجروح شده‌ای و همچون کبوتری از همراهانت جا مانده‌ای.

۱۰. سه ر ده گل درار کفن پاره که ساعه تی ته مه نای ده شت و سه حرا که

Sar da gel derâr kefen pâra ka

sâatê tamanê daişt

کفن پاره کن، سر از خاک بیرون بیاور؛ و لحظاتی را به تماشای دشت و صحرا بپرداز (وجود مبارک تو و خونت باعث سبزی و طراوت و زیبایی این صحرا و سرزمین شده است. سرزمینی که تو از آن محافظت کردی که به دست دشمن نیافتد).

۱۱. دالگ چی خاسه وه لای دیه ته وه وه نه رمه رازان پر مه ینه ته وه

Dâleg êi xâsa wa lâê dyatawa
wa narmaîâzân e peî maênatawa

مادر بهترین همراه برای شهدا است. با هم به نرمی گفت و گو می کنند و همراه لحظات سخت زندگی‌اند. این مویه‌ها از زبان شهدا یا در رثای مادرانی که شهید می‌شوند، سروده و خوانده می‌شود.

۱۲. ده س تتان سلاح منه نِ برا برا
وه که س نیانه ممله که ته برا، برا

Das tetan selah mena bera bera
Va kas naiane mamlakat bera bera

برادر جانم، برادر جانم دستان شما سلاح من هست. درود بر شما و شجاعتتان که نگذاشتید ذره ای از خاک مملکت به دست دشمن بیافتد و وطن را دست دشمن نسپرد.

۱۳. ده ر دِ خاکِ ژیر پوتین شه هیده له گمان وه کُپ بمالم
وه گیان هه ر چه شه هید ئاو نه خوارده

Dared xak žir potine šahidal la goman va gob bemalem
Va gian har če šahid âo na xorde

خاک زیر پوتین تمام شهدا را به گونه می مالم (بر آن بوسه می زنم).
۱۴. برا قطار په س و پیش ده ر دت له خویشگه ت
خُلا شُک رت که گشتتان ها ور ده ن وه قطاره وه

Bera qatâr pas ô piš dardet la xoiš gâgt
Xo la šokret ke geštetan hâ ver den va qatâra va

برادر جان که در صف شهادت با شهدای دیگر به انتظار ایستاده‌ای دردت به جانم. خدایا شکر که پیکر همه شما را که تعدادتان زیاد بود و به مثل قطار پشت سر هم بودید به خانه بازگرداندند.

۱۵. زال زال مه جویلیان وه ئو گلزاره وه
جلو یان وه ده س جلوداره وه

Zâl žal mah joiliân va âo golzâra va
Jeloyân va das jelodâra va

به مانند زال در آن گلزار شهدا استوار راه می رفتید. پیش قراول آنان و جلودار آنان تو هستی.
۱۶. له شون حاج قاسم ئه را کی بلاونم
شانت وه قطار وه گیان حاج قاسم نُقرئه رنزه وه

La šon hâj qâsem âra ki belâvenem
Šânet va qatâr va giân hâj qâsem noqre rēza va

بعد از شهادت حاج قاسم که بزرگترین شهید است برای کی مویه بخوانم (اشاره به اینکه درد و رنج شهادت‌های دیگر قابل تحمل است جز نبود حاج قاسم) به جان حاج قاسم که عزیزمان است با او محشور بشوی و شانه به شانه هم قطارانت باشی که استوار و ستایش برانگیز در کنار هم ایستاده‌اند.

۱۷. ئی ده س ئاقای سولیمانی یه درِ یا وه دس خدا
دژمن خیال کرد ئی مملکته شهید دی نئری

Ëy das âqâi solaimani ya der ya va das xodâ
Dežmen xiâl kerd ây mamlakata šahid di nâiri

این دست آقای سلیمانی است که به دست خدا رسید. به گمان دشمن این وطن دیگر شهید ندارد، حاج قاسم که آمد به سر صف شهدا ایستاد.

۱۸. صدای یا قاسم و یا قاسم وه تندت
سردار گیان له شون تو ناو ئیران عزیزه

Sedâi yâ qâsem ô yâ qâsem va tenet
Sardar giân la šon to nâv irân azizia

صدای قاسم جان، قاسم جان گفتن می آید. سردار جان شهادت تو باعث سربلندی من و ایران شد.

۱۹. گیان عزیز حاج قاسم بیچین له شه ر بغدا وه تاوی سه وه ز وه تاوی س سووز و وه تاوی که و

Giân ?ziz hâj qâsem bepičen la šar baqdâ va tâvi savz
Va tâvi savaz ô va tâvi kav

جان عزیز حاج قاسم را از شهر بغداد در تابوت سبز بگذارید و تابوت او را با تمام گیاهان مقدس بیوشانید (کنایه از ارزش والا مقام او را دارد).

۲۰. وه ی وه ی براکه م، میدان جه نگه شئر مردی جور سلیمان مه رد میدان

Vay vay berâkam,maidân janga šër mardî jôr solaiman marde maidân

ای وای برادرم، میدان جنگ هست و قاسم شیر مرد میدان جنگ است.

۲۱. ئیران ئابادان وه خوون شهیدان و خوون حاج قاسم تو هه ر نامئری سردار و سالار که م حاج قاسم، براکه م

Iran âbâdân va xõn šahidân ô xõn hâj qâsem
To har nâmëry sardar ô sâlâr kam hâj qâsem, berâ kam

ایران با خون شهیدان و خون حاج قاسم آبادان هست. برادر جانم، سردارم، سالارم حاج قاسم تو هرگز نمی میری و تا ابد زنده می مانی.

۲۲. خووین گیان شیرینت ره مق دا وه گیانمان جور گلکه وهار جوان وه کیفه

Xoin giân širinet ramaq dâ va giânemân

Jôr golkai vahâr joân va kaifa

خون جان شیرین تو به جان ما رمق داده است. به مانند گل بهار جوان همیشه سرزنده و زیباست و جوان شهید همیشه از این خاک خواهد رویید.

• مویه‌های عربی

مویه‌های عربی بیش از همه در تعزیت شهدای والا مقام و افراد جوان و صاحب نام خوانده می‌شوند. این مویه‌ها امروزه بیشتر در دهه اول محرم که از شور و حرارت بیشتری برخوردار است در مراسم چایینه و عروسی قاسم خوانده می‌شوند. سوگ و تعزیت امامان معصوم و ائمه اطهار و شهدای والامقام مضامین اصلی شکل دهنده مویه‌های عربی هستند. امروزه با شهادت سردار سلیمانی، ستایش شهامت و رشادت و قهرمانی او به درون مایه این مویه‌ها اضافه شده و به اصلی‌ترین آن تبدیل شده است.

۱. «آحا، آحا، آحا/ اوه یا قاسم یا بنی! دیوان عروسک مینی/ مینی بجص و نوره

ای قاسم ای پسر! حجله عروسیت آماده است/ این حجله نورانی از گچ ساخته شده است.

۲. أجت العروس نذوره/ صعدنا جبال جبال/ وجینا دم الاطفال/ صعدنا طعوس طعوس/ وجینا دمه بالطوس/ اوه یا قاسم یا بنی/

ثوب العرص اصبح کفن.

عروس برای دیدار تو آمده است/ کوه به کوه رفته ایم/ خون کودکان تشنه را آورده ایم. آه ای قاسم، ای فرزندم/ لباس دامادیت اکنون کفن تو گشته است.

۳. قد صعدنا ذری الحقائق بأقدام النبوه و الولایه

- ما با گام‌های نبوت و ولایت به بلندترین قله‌های حقایق صعود کرده ایم.
۴. لحسین شنو ردک .. اجب/ قاصد علی حسین بدمع زکیها العیون.
- به حسین چه خواهی گفت؟ جواب بده/ به سوی حسین عازم هستی پس با اشک چشمانت را تطهیر کن (ستایش مقام شهید که به واسطه شهادت به جایگاهی می‌رسد که به دیدار امام حسین می‌رود).
۵. آداب تدریها .. وصاک علی بیها/ خلیک علی عهدک .. اجب.
- آداب را تو میدانی. علی تو را به آن‌ها سفارش کرده است/ بر عهد خود باقی بمان ، جواب بده.
۶. حسین یریدک من تزوره یشوف بوجهک مصیبه/ تجری دموعک لجل الجثة الظلت بالطف سلیبه
- حسین می‌خواهد وقتی به زیارتش می‌روی در چهره‌ات اثر مصیبت را ببینی/ اشک‌هایت برای جسمی که در کربلا ربوده شد و برهنه ماند جاری شود (در ستایش ارزش والای شهیدان و سالار آنان امام حسین).
۷. سفره لربک های السفره مو بس قاصد حبیه/ تحتاط من کلشی .. ویاک نبی یمشی.
- این سفر به سوی خدای توسست و فقط این نیست که عزم عزیز خدا کرده باشی/ در همه چیز احتیاط کن . همراه تو پیامبری پیاده می‌رود (مقام شهیدان آنقدر ارزشمند است که پیامبران با آنان پیاده می‌روند).
۸. و الزهره تمشی و تندعی لنجاتک/ زینب علیه تصیحلک جزاتک.
- حضرت زهرا پیاده می‌رود و برای نجات و موفقیت دعا می‌کند/ زینب به تو می‌گوید که پاداش تو با من است (وقتی حضرت زهرا و زینب همراه کسی باشند، نشان از مقام والای آن فرد را دارد).
۹. بالمروه تمشی و الصفا بین الامامین/ بالکعبه طایف لو طفت عباس و حسین/ حته الهوه احرم یحج یم اعظم اثنین.
- بین دو امام همچون در صفا و مروه پیاده می‌روی/ اگر حرم عباس و حسین را طواف کنی انگار کعبه را طواف کرده‌اند /حتی هوا برای حج در کنار این دو شخص بزرگوار محرم شد.
۱۰. کل خطواتک خطوه بخطوه حسین یردلک فضلها/ من تمشیله یرد یمشلیک یوم المحشر مثلها: فضیلت قدم به قدم تو را حسین به تو بازمی‌گرداند/ وقتی به سوی او پیاده بروی در روز قیامت همانگونه حسین علیه السلام به سمتت خواهد آمد (نشان از ارزشی که شهادت و شهیدان در نزد خداوند و ایمه دارند).
۱۱. سلیمانی هنا/ حاضر بیننا / دوما من قلبنا / له السلام / والله/ لن يطول الانتقام
- سلیمانی عزیز، سلیمانی بی‌نظیر/ بر دستانت خون اسلام/ این ظلم و جور نسبت به تو دارد فرجام.
۱۲. فقد کذب الموتُ أنتَ الخلود / فذكرک باقی بقاء الوجود
- مرگ دروغ گفت و تو جاویدانی، پس یادت تا هستی هست، خواهد بود.
۱۳. وحبُّ القلوبِ صفاءُ الضمیر / ملاذُّ الدهورِ وللفخرِ جود
- تو محبوب دلها و صفای درون هستی، پناه روزگاران و افتخار دهش‌ها هستی.
۱۴. تعالیتَ یا شاهدَ المخلصین / بشهد الشَّهادة علم الشُّهود
- ای شاهد خالص گشتگان با شاهد شهادت و دانش شهود به والایی گراییده‌ای.
۱۵. محبُّ علیّ، قائدُ الثَّائرين / همأمُ المکارم مولی الرِّفود
- تو دوستدار علیّ، رهبر انقلابیون و والا همت و دلاور مکرمت‌ها و مولای بخشش‌ها هستی.

۱۶. مِنَ الْمَرْضَى طَوْذُ فَخْرِ الزَّمَنِ
مِنْ الْمَصْطَفَى نُورُ يَوْمِ الْوُرُودِ
تو از علی مرتضی (ع) کوه افتخار دوران ها، و از حضرت محمد مصطفی (ص) نور روز محشر می باشی.
۱۷. تَعَالَيْتَ يَا مَالِكَ الْأَشْتَرِ
حَبِيبَ الْأَبَاطِحِ مَوْلَى النَّجُودِ
ای مالک اشتر زمان و ای دوست سرزمین های مقدس و مولای والایی ها، تو به والایی گراییده ای.
۱۸. وَمِنْهُ حُسَيْنٌ وَمِنْهُ حَسَنٌ
وَمِنْهُ اتِّحَادُ لِيَوْمِ الشُّرُودِ
حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) از آن حضرت هستند و وحدت روز سرگردانی ها همه از آن حضرت است.
۱۹. أَرَاكَ عَزِيزًا وَنَجْلَ الْحُسَيْنِ
أَمَامَكَ كُلُّ رَكُودٍ سَجُودٍ
تو را گرانقدر و دست نیافتنی و همانند حضرت علی اکبر (ع) فرزند حضرت امام حسین (ع) می دانم که همگان در مقابلت با حیرت زندگی بی حرکت و به سجده افتند.
۲۰. سَلَكْتَ عَلَى الدَّرَبِ فِي الْمُنْتَهَى
قُرْبَتَ مَنْ اللَّهِ عَرْشَ الْخُلُودِ
تو را هدایت را تا پایان پیمودی و به عرش جاویدان الهی نزدیک گشتی.

نتیجه گیری

مهمترین سرچشمه زندگی انسان فرهنگ است. فرهنگ ایرانی قدمتی چند هزار ساله است. مطالعه فرهنگ و رابطه آن با زندگی اجتماعی انسان در طول قرن‌ها منبعی برای شناخت نحوه سازگاری و تداوم انسان است. این ویژگی‌ها در هنر، موسیقی، ادبیات و آداب و رسوم گروه‌های مختلف مردمی نمود یافته‌اند. هنر و ادبیات عامه در استان ایلام نیز بازتاب دهنده بخش مهمی از فرهنگ غنی و متنوع این منطقه است. توجه به هنر، موسیقی و ادبیات بومی به ویژه هنگامی که به شکل و زبان آواز بیان می‌شود و تقریباً تمامی شئون زندگی را در بر می‌گیرد، اهمیتی دو چندان می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش در کنار دیگر پژوهش‌ها مانند؛ ابراهیمیان منفرد (۱۳۹۹)، خوش‌نشین (۱۳۹۶)، نظریان و قدمی (۱۳۹۳)، مهدی‌زاده (۱۳۹۱)، کاضمی (۱۳۹۰) و مرادخانی و قبادی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که در میان مردم ایلام، مویه یکی از پرشورترین و اندوهناک‌ترین آواها و نواها است که از گذشته تا به امروز وجود داشته است. بی شک این شکل سوگواری با بیان و نمایش مخصوص به خود شرایط اجتماعی و تاریخی زندگی مردمان خود را تداعی می‌کند. این پژوهش هم‌راستا با پژوهش خوش‌نشین (۱۳۹۶) مویه را یکی از عناصری می‌داند که در هویت بخشی به آیین‌های سوگواری در ایلام نقش دارد. این پژوهش در کنار پژوهش مهدی‌زاده (۱۳۹۱) و ابراهیمیان منفرد (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که مویه تجربه مستقیم سرایندگان خود را تداعی می‌کند. سرایندگانی که در بستری تاریخی، اجتماعی و شخصی تجربه زیسته خود را در آواها و نواهای مردمی انعکاس می‌دهد.

یافته‌های این پژوهش که در پژوهش‌های دیگر به مطالعه آن پرداخته نشده است، نشان داد، جنگ حضور پررنگی در مویه‌های امروز دارد. مضامینی مانند؛ دفاع از وطن، وطن‌پرستی، فداکاری و شجاعت، شهادت‌طلبی، مقاومت و ایثار و اسطوره بودن قهرمانان گمنام جنگ نشان از این حضور را دارد. این حضور امروزه که سال‌ها بعد از جنگ می‌گذرد با استقبال از شهدای گمنام و قهرمانان جانباز دیگری از دوران جنگ که شهید می‌شوند و در همدلی و همراهی با خانواده‌های شهید در تمام آیین‌های مربوط به سوگ و در ماه محرم خود را به نمایش می‌گذرد. اوج تاثیر تجربه جنگ و ایثار در مویه‌ها در استان ایلام درحادثه شهادت حاج قاسم دیده می‌شود. مادران و زنان ایلامی در آیین بزرگداشت این شهید همه یک‌صدا مویه‌هایی در رثای او خواندند.

مویه‌گری برای شهیدان در تار و پود فرهنگ مردم ایلام جاری است. مردمی که با طبیعت و سرشت گیتی، انس و الفتی عمیق و با پدیده‌های پیرامون خویش پیوندی ناگسستنی دارند و در برخورد با مشکلات، با تبیین پدیده‌های ناشناخته، تجلیات ذهنی را به گونه‌های مختلف بر پرده زندگانی، نقشی آشکار و جاوید می‌زنند.

مطالعه مویه‌ها در کنار آداب و رسومی که برای شهیدان برگزار می‌شود نشان می‌دهد که قدرشناسی قهرمانان و شهیدان و اسطورهایی که در جهت تداوم و حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی جان خود را داده‌اند و می‌دهند جزیی از تار و پود فرهنگ مردم این منطقه است. ستایش و سرایش قهرمانی سردار سلیمانی در مویه‌ها که عمری تاریخی دارند نشان از این حقیقت دارد که کسانی به مانند او در جان و روح مردم این سرزمین زاده شده‌اند و باعث داوم ارزش‌های این مردم می‌شوند و به همین دلیل گرمی و عزیز و پاره تن فرهنگ این مرز و بوم هستند. یافته‌های این پژوهش توانست به پرسش اصلی این پژوهش اینگونه پاسخ دهد که؛ تجربه جنگ تحمیلی مضمون‌هایی مانند شهادت خواهی، ایثارگری و مقاومت، دلیری و شجاعت را به مویه‌ها اضافه کرده است و اسطوره‌سازان فرهنگ امروز ایران را شهیدان راه وطن می‌داند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

از آنجا که این پژوهش از نوع مطالعات میدانی است، خود این موضوع مزیت‌ها و محدودیت‌هایی را برای پژوهشگر به وجود می‌آورد. دسترسی به مصاحبه‌گران به ویژه خانواده‌های شهدا، ایجاد شرایط مطلوب برای مصاحبه و همدلی و همراهی با آنان، پژوهشگر را در فرایندی طولانی برای جمع‌آوری اطلاعات درگیر ساخت. پیاده کردن مصاحبه‌ها و آوانگاری از زبان کردی و عربی و لکی و لری زمان زیادی را به خود معطوف ساخت. جهان مدرن امروز، جهانی است که به صورت لحظه‌ای آیین‌ها و سنت‌های بومی را به کام فراموشی می‌برد و باعث از بین رفتن بسیاری از آنان می‌شود. از این لحاظ نقطه قوت این پژوهش این است که محقق این میراث معنوی مهم را ثبت و ضبط نموده تا از فراموشی آن جلوگیری نماید. امید است، دیگر پژوهشگران با پژوهش در این زمینه به ثبت و حفظ تعداد بیشتری از مویه‌ها بپردازند.

از آنجا که مطالعه ادبیات مویه به منظور شناخت شیوه‌های زندگی مردم و وجه مردم‌شناسی مردم این دیار می‌تواند بسیار سودمند و پربار باشد، پیشنهاد می‌شود که از مفاهیم و ملودی اشعار فولکلوریک در موسیقی‌های پخش شده از رسانه استفاده شود. پخش مویه و آداب و رسوم مربوط به آن موجب افزایش محتوا و غنای معنایی مضامینی می‌شود که مویه‌ها و فرهنگ زنده مردم را می‌سازند. نمایش آیین‌های مرگ و مویه اقوام، به دلیل وجه زیبایی‌شناختی بومی آنها، جذابیت فراوانی برای مخاطبان دارد.

منابع

- ابراهیمیان منفرد، صفر (۱۳۹۹). *تحلیل زیبایی‌شناسی چل سروها و مویه‌ها در زبان لکی*، رشته ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.
- بابایی، یاسر (۱۳۹۶). *در امتداد زخم: خاطرات سردار رشید اسلام، عبدالرضا اسماعیلی اولین فرمانده گردان استان ایلام*. ایلام: سوره‌های عشق (وابسته به سپاه امیرالمونین).
- باقری، کبری و سارا زارعی (۱۳۹۹). *آنجا که نیامدی: ده روایت کوتاه از شهدای استان ایلام، ایلام: سوره‌های عشق (وابسته به سپاه امیرالمونین)*.

- بهمنی، سجاد و ذوالفقار احمدی اوندی (۱۴۰۰). زوال فرهنگ گاگریو: تحلیل انسان‌شناختی دگردیسی عزاداری و سوگ در میان ایلات بختیاری و بهمنی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، شماره اول، صص ۲۹-۱.
- خوش‌نشین، فرشته (۱۳۹۶). نگاهی مردم‌شناسانه به آیین سوگواری در میان مردم ایلام با رویکردی بر پرسه زنان، دانشگاه پیام نور تفت، گرایش ادبیات عامه، پایان‌نامه ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی.
- رضایی بهمن، زرین (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل ویژگی‌های فکری و ادبی مویه‌های شهرستان خرم‌آباد، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- زرین کاویانی، کیانوش (۱۳۹۷). نبرد در شاخ شمیران، ایلام: سوره‌های عشق (وابسته به سپاه امیرالمومنین).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸). لغت‌نامه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- سیف‌زاده، سید محمد (۱۳۷۷). پیشینه تاریخی موسیقی لرستان، خرم‌آباد: نشر افلاک.
- شاهمرادیان، فرهاد (۱۳۹۵). ملکوت کلمات، ایلام: سوره‌های عشق.
- شهریاری، محمد (۱۳۹۶). موسیقی شمال شرق خوزستان ایده، از منظر گونه‌شناسی و فرهنگ موسیقایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اتنوموزیکولوژی دانشکده پردیس بین‌المللی فارابی.
- صحرائی، محمد (۱۳۹۲). تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام، ایلام: ناشر سوره‌های عشق.
- فاضلی، محمد تقی، غفارپور، بختیار (۱۳۹۵). بررسی آداب رسوم سوگواری در شاهنامه فردوسی و مقایسه آن با آداب مذکور در بین اقوام لر بختیاری و لر کوچک، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم، شماره ۳، صص ۱۲-۳۷.
- فرزین، علیرضا، غنفری، حسین (۱۳۷۷). لرستان در گذر تاریخ، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، میراث فرهنگی لرستان.
- قیم، جاسم (۱۳۹۸). شروه و علوانیه (نگاهی تطبیقی به ساختار نواهای بومی در خوزستان و بوشهر)، کاوش-نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲، صص ۷۳-۵۷.
- کاظمی، بهمن (۱۳۸۹). موسیقی قوم کرد، ناشر: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- مراذخانی صفیه؛ قبادی اصل، پرستو (۱۳۸۸). ابیات مویه در ایل کاکاوند، نشریه فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۱۶۸-۱۵۱.
- مرادی مهر، نسرین و ایرج مرادی مهر (۱۴۰۲). جایگاه هوره و مور در فرهنگ استان ایلام، نشریه پژوهشنامه اورمزد، شماره ۶۲، صص ۲۳۵-۲۱۵.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: انتشارات زرین.
- ملازهی پسکوه، پیرمحمد (۱۳۷۱). موتک، شعر حزن انگیز، آشنا، شماره ۶، صص ۳۵-۳۴.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶). مردم‌نگاری، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۱، صص ۱۳۰-۱۱۱.
- موسوی، حشمت‌الله، عزیزی، شهناز (۱۳۹۴). گویش لکی بازمانده‌ای از زبان‌های ایران باستان، تهران: مبتکران پیشرو.
- مهدی‌زاده، مجید (۱۳۹۱). شناخت و بررسی مردم‌شناختی آوازها و الحان در آوازهای هوره و مور در استان ایلام، دانشکده روان‌شناسی، علوم اجتماعی، گروه‌های علوم اجتماعی، گرایش مردم‌شناسی، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- مصاحبه و ضبط مویه‌ها از:
- فرصت خانزادی، نصرت خانزادی خواهر و مادر شهید خانزادی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خواهران شهید یدالله والی‌نژاد، ایلام، ۱۴۰۱.
- مادر شهیدان ولدبیگی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خانواده شهید قدرت صبادی، ایلام، ۱۴۰۲.
- خانواده شهید مختار دارابی، ایلام، ۱۴۰۲.

- حاج محمدعلی قربانی، مداح اهل بیت، ایلام، ۱۴۰۱.
- سید علی موسوی، ایلام، ۱۴۰۲.
- زنان شهرستان بدره، شهرستان بدره، ۱۴۰۱.
- مردان شهرستان بدره، شهرستان بدره، ۱۴۰۱.
- نوحه‌خوانان شهرستان ملک‌شاهی، شهرستان ملک‌شاهی، ۱۴۰۱.
- خانم‌ها اسماعیلی و مرادی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خانواده شهید عبدالرضا اسماعیلی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خانواده شهید عبدالمجید امیدی، ایلام، ۱۴۰۲.
- خانواده شهید عبدالکریم احمدی، ایلام، ۱۴۰۲.
- خانواده شهید علی نجات عزیزی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خانواده شهید قاسم ابراهیمی، ایلام، ۱۴۰۱.
- خانواده شهید علی بسطامی، شهرستان ملک‌شاهی، ۱۴۰۱.
- آقایان ابراهیمی، رستمی، حیدری، ایلام، ۱۴۰۱.

